



کتابت حروف «پ»، «چ»، «ژ»، «گ» از چه زمان و در کدام یک از مناطق ایران ابداع شده است؟

پدیدآورنده (ها) : متینی، جلال
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: نامه بهارستان :: بهار و تابستان 1390، سال دوازدهم - شماره 18 و 19
از 475 تا 480
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1042040>

دانلود شده توسط : حمیدرضا سلمانی
تاریخ دانلود : 07/10/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





یادبود



کتابت حروف «پ»، «چ»، «ژ»، «گ»

از چه زمان و در کدامیک از مناطق ایران ابداع شده است؟

جلال متینی*

(راکویل، مریلند)

برخی از مستشرقین در دو قرن اخیر در مقدمه‌های انتقادی خود بر تصحیح بعضی از متن‌های فارسی، نوشته‌اند که در رسم‌الخط فارسی در قرون گذشته دو دوره قابل تشخیص است: یکی رسم‌الخط قدیم (تا پیش از قرن ۸ و ۹ق) که کاتبان چهار حرف فارسی پ، چ، ژ، گ را به مانند ب، ج، ز، ک می‌نوشتند، و دیگری رسم‌الخط جدید که این چهار حرف به مانند امروز نوشته شده است. نسل اول و دوم محققان ایرانی نیز که با کار این مستشرقین آشنایی پیدا کردند این نظریه را پذیرفتند.

از علامه محمد قزوینی دو نامه در دست است که در آنها به صراحت درباره نگارش پ و چ اظهار نظر کرده است. وی در نامه مورخ ۱۳۲۲/۲/۷ به غلامرضا فرخ‌منش درباره بیتی از گلستان سعدی نوشته است: «و این را هم عرض کنم که چنانکه لابد می‌دانید در عموم نسخ قدیمه فارسی قبل از قرن هشتم و نهم هجری پ و ب و ج و چ را یک طور می‌نوشته‌اند یعنی برای پ سه نقطه نمی‌گذارده‌اند و همچنین برای چ»^۱. و نیز در نامه مورخ ۱۳۲۳/۱/۱۲ درباره یکی از نسخه‌های خطی دیوان حافظ خطاب به دکتر قاسم غنی نوشته است: «این نسخه حافظ به نظر این جانب تقریباً به نحو قطع و یقین از سنه ۹۰۰ مؤخر نباید باشد. از وضع املائی کلمات که هیچ وقت زیر چ سه نقطه نمی‌گذارد. بسیار نادراً زیر پ سه نقطه می‌گذارد»^۲.

نگارنده از سال ۱۳۴۶ به بعد درباره رسم‌الخط نسخه‌های خطی فارسی قرن ۵ تا ۱۳ق شش مقاله بلند و کوتاه نوشته^۳ و نادرستی این نظر را نشان داده است. نگارنده در آن سال‌ها با بررسی سه نسخه از چهار نسخه خطی فارسی مورخ قرن پنجم ثابت کرد که کاتبان این نسخه‌ها در مواردی نه فقط پ، چ، ژ را با سه نقطه نوشته‌اند، بلکه گ را نیز گاهی با سه نقطه یا دو نقطه و یا یک نقطه (گ، گ، ک، ک، پ) از ک مشخص ساخته‌اند، و در نسخه چهارم نیز ژ در تمام موارد با سه نقطه و گ گاهی با یک نقطه (ک) نوشته شده است، بدین شرح:

در الابنیه عن حقایق الادویه مورخ ۴۴۷ق (نسخه کتابخانه عمومی وین، به شماره AF. 340) و هدایة المتعلمین فی الطب مورخ ۴۷۸ق (نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد، به شماره Ms. Pers. C. 37)، چهار حرف فارسی در برخی از موارد با سه نقطه نوشته شده است: پ، چ، ژ، گ، ک، پ. در قسمتی از تفسیر پاک، محتملاً مکتوب در پیش از ۴۵۰ق (نسخه کتابخانه دانشگاه لاهور)، چهار حرف فارسی غالباً با سه نقطه نوشته شده است: پ، چ، ژ، گ، ک، پ. در بخشی از ترجمه شرح تعرف مورخ ۴۷۳ق (نسخه موزه ملی کراچی)، پ، چ با یک نقطه نوشته شده است و ژ با سه نقطه و ک با یک نقطه.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، استاد پیشین دانشگاه فردوسی مشهد.

۱ «نامه علامه محمد قزوینی به غلامرضا فرخ‌منش درباره بیتی از گلستان سعدی»، نامه بهارستان، س ۱۰ (۱۳۸۸)، دفتر ۱۵: ۳۸۹-۳۹۰.

۲ یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی. لندن، ۱۳۶۰، ۵: ۲۸۸-۲۸۹.

۳ «رسم‌الخط فارسی در قرن پنجم هجری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، س ۳ (پاییز ۱۳۴۶)، ش ۲: ۱۹۵-۲۰۶.

«تحوّل رسم‌الخط فارسی از قرن ششم تا سیزدهم هجری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، س ۴ (پاییز ۱۳۴۷)، ش ۲: ۱۲۵-۱۶۲.

«رسم‌الخط بخشی از ترجمه شرح تعرف (ذیلی بر مقاله رسم‌الخط فارسی در قرن پنجم هجری)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، س ۱۲ (بهار ۱۳۵۵)، ش ۱: ۱-۱۸.

«رسم‌الخط نسخه‌های خطی فارسی از قرن پنجم تا قرن سیزدهم هجری»، به یاد محمد قزوینی، به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۶: ۲۵۲-۲۷۵.

«رسم‌الخط نسخه ختم الغرائب، مورخ ۵۹۳ هجری قمری (وین، 845 mixt)»، نامه بهارستان، س ۸-۹ (۱۳۸۷-۱۳۸۸)، دفتر ۱۳-۱۴: ۹۵-۱۰۱.

«درباره رسم‌الخط نسخه خطی علی‌نامه»، آینه میراث، دوره جدید، س ۸ (۱۳۸۹)، ضمیمه شماره ۲۰: ۱۸۹-۱۹۲.

تاکنون رسم الخط قریب ۲۳۰ نسخه خطی را مورد بررسی قرار داده‌ام. قسمت اعظم این نسخه‌ها، شاید حدود دویست نسخه را، در سال ۱۳۴۶ در کتابخانه موزه بریتانیا (The British Library) با استفاده از فرصت مطالعاتی که دانشگاه مشهد به مدت چهار ماه در اختیارم قرار داده بود از نظر گذرانیده‌ام. سپس در سال‌های اخیر نیز چند نسخه دیگر از جمله نسخه برگردان ختم الغرائب خاقانی مورخ ۵۹۳ق و نسخه برگردان علی‌نامه کتابت اواخر سده هفتم یا اوایل سده هشتم را.^۵ از مجموع این نسخه‌ها فقط نسخه الابنیه عن حقایق الادویه، قسمتی از تفسیر پاک، هدایة المتعلمین فی الطب، ترجمه بخشی از شرح تعرف، ختم الغرائب و علی‌نامه را به شرح و با ذکر جزئیات از این نظر بررسی کرده‌ام، و در بقیه نسخه‌های خطی فقط طرز نگارش پ، چ، ژ، گ، ف (فاء اعجمی)، ذ فارسی، که، چه، و اتصال «که» به کلمه بعد از آن را مورد توجه قرار داده‌ام، آن هم در هر نسخه خطی با مرور پنجاه شصت صفحه از هر نسخه به شرحی که در یکی از مقاله‌های پیش آورده‌ام. حاصل بررسی ۲۱۵ نسخه خطی فارسی از قرن ۵ تا ۱۳ق، از نظر کتابت پ، چ، ژ، گ بر اساس نموداری که پیش از این به چاپ رسانیده‌ام عبارت است از اینکه:

۱. در ۴ نسخه خطی کتابت قرن پنجم، چنانکه پیش از این اشاره گردید، چهار حرف فارسی در دو نسخه گاهی، و در یک نسخه اکثراً با سه نقطه نوشته شده و در نسخه دیگر فقط ژ با سه نقطه و گ با یک نقطه نوشته شده است ک.

۲. در ۲۰ نسخه کتابت قرن ۹ تا ۱۲ق چهار حرف فارسی همه جا با سه نقطه نوشته شده است.

۳. در ۵۴ نسخه کتابت قرن ۶، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳ق سه حرف پ، چ، ژ در تمام موارد با سه نقطه نوشته شده است.

۴. در ۱۷ نسخه کتابت قرن ۶ تا ۱۱ق چهار حرف فارسی به شکل ب، ج، ز، ک نوشته شده است.

۵. در بقیه نسخه‌ها هر یک از حروف چهارگانه فارسی به ندرت یا غالباً یا در تمام موارد از حروف مشابه عربی مشخص گردیده است.

چنانکه گذشت کاتبان نسخه‌های خطی از قرن پنجم به بعد چهار حرف فارسی پ، چ، ژ، گ را در مواردی با سه نقطه نوشته‌اند، به جز گ که به ندرت با یک یا دو نقطه نیز نوشته شده است و در نتیجه معلوم می‌شود که این چهار حرف در طی قرن‌ها رسم الخط واحدی داشته‌اند، ولی در مورد دیگر حروف هر یک از کاتبان به سلیقه خود عمل کرده‌اند و بدین جهت یک قاعده کلی درباره آنها نمی‌توان ارائه داد.

این موضوع را نیز ناگفته نگذارم که در چهار نسخه خطی تفسیر کمبریج^۶، خردنامه^۷، ختم الغرائب^۸ و علی‌نامه^۹ حرف ژ در تمام موارد با سه نقطه نوشته شده است. پیش از این فقط از تفسیر کمبریج نام برده بودم، سه نسخه دیگر در سال‌های اخیر به دستم رسیده است.

آنچه از نظران گذشت خلاصه مطالبی است که در سال‌های پیش درباره رسم الخط نسخه‌های خطی فارسی در قرون گذشته نوشته‌ام و اینک آن را بدین امید در این نوشته کوتاه مطرح می‌کنم که خوانندگان فاضل «نامه بهارستان» مرا برای سؤالی که سال‌ها است پاسخی برای آن نیافته‌ام یاری کنند.

سؤال مربوط است به طرز نگارش چهار حرف فارسی (پ، چ، ژ، گ، ک)، و اینکه چه کسی یا کسانی و در چه منطقه‌ای از ایران و در چه تاریخی این طرز نوشتن را ابداع کرده‌اند.

گفتیم که کاتبان چهار نسخه خطی مورخ قرن پنجم این چهار حرف را با افزودن نقطه‌هایی از چهار حرف مشابه عربی (ب، ج، ز، ک) مشخص ساخته‌اند. کاتب نسخه الابنیه عن حقایق الادویه را می‌شناسیم که اسدی طوسی، مؤلف لغت فرس و سراینده گرشاسپ‌نامه است. نوشته‌اند که وی پس از هجوم ترکان سلجوقی به خراسان، زادگاهش را ترک کرد و در آذربایجان اقامت گزید. ولی کاتب سه نسخه دیگر و زادگاه و محل اقامتشان را نمی‌شناسیم. آیا این چهار تن مبتکر طرز نگارش چهار حرف فارسی بوده‌اند؟

۴ متنی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷. ۵ متنی، ۱۳۸۹. ۶ متنی، ۱۳۴۷: ۱۴۲-۱۴۳.

۷ داریوش کارگر، «شیوه نوشتار در دست نوشته خردنامه (کتابت ۵۰۴ و ۵۱۰ق)»، نامه بهارستان، س ۱۱ (۱۳۸۹)، دفتر ۱۷: ۵۷-۶۹، به نقل از ص ۶۱.

۸ متنی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۹۷. ۹ متنی، ۱۳۸۹: ۱۹۱-۱۹۲.



پاسخ بنده به این سؤال منفی است، چه به یقین این شیوه نگارش در دوران زندگی آنان در منطقه‌ای که زندگی می‌کرده‌اند رایج بوده است، و نیز نسخه‌هایی که از روی آنها این چهار کتاب را استنساخ کرده‌اند نیز کم و بیش به همین طرز کتابت شده بوده است. در نتیجه این چهار تن از مقلدان به شمار می‌روند نه از مبتکران. از کاتبان قرن‌های سوم و چهارم خبری نداریم، ولی به طور کلی می‌توان گفت عموماً در خراسان و ماوراءالنهر، که در آن زمان کانون زبان و ادب فارسی دری بود، می‌زیسته‌اند. چنان‌که اسدی طوسی نیز شیوه کتابت الابنیه را که در خراسان رایج بوده است از خراسان به آذربایجان برده بوده است. پس می‌توان گفت که کاتبان قرن پنجم شیوه نگارش این چهار حرف فارسی را از طرز نوشتن کاتبان قرن‌های سوم و چهارم اقتباس کرده‌اند. مسئله دیگر چگونگی وحدت عمل کاتبان قرن‌های سوم و چهارم است که در منطقه بسیار وسیع خراسان و ماوراءالنهر و ... با نبودن وسایل ارتباطی چگونه فی‌المثل کاتبی در خجند یا سمرقند از شیوه کتابت کاتبان طوس و نیشابور و ... آگاه می‌گردیده است و یا به عکس.

Nāmeḥ-ye Bahārestān: vol.12, 2011-12, ser. no. 18-19

In Memory of Prof. Iraj Afshar

Where and When the Diacritical Marks for the Letters پ , چ , ژ and گ were Invented?

Jalal MATINI
(Rockville, Maryland)

A number of Orientalists who investigated Persian manuscripts in the past two centuries, proposed that two general styles are discernible in Persian paleography: An archaic style, typical of manuscripts that were transcribed before the 8th and 9th centuries A.H. (14th and 15th centuries A.D.), in which the letters پ , چ , ژ and گ were written with one instead of three dots, and a modern style, in which these letters were marked by three diacritical dots as is customary today. The first couple of generations of modern Iranian scholars went along with this view. However, the present author's investigation of the orthography of some 230 manuscripts that hail from the 5th to 13th centuries A.H. (11th to 18th centuries A.D.) has shown this view to be incorrect. I have detailed his evidence in six papers that have been published in various trade journals since 1346/1967. In fact in four manuscripts that date from the 5th century A.H. (11th century A.D.) these letters are sometimes written with one dot, while they are transcribed with three dots most of the time in only one manuscript. In the fourth codex, only the letters ژ and گ are marked by three and one diacritical dots respectively.

A question has engaged my mind over these many years of research; and since I have been unable to find a reasonable answer for it, I share it with the readers of the *Nāmeḥ-ye Bahārestān* in the hope that others might have an answer for it. The question is as follows: What person or persons first invented the diacritical marks for the letters پ , چ , ژ and گ; and when and in which part of the greater Iran did these marks first come into general use?

Of the four manuscripts that were transcribed in the 5th century A.H. (11th century A.D.), we only know the scribe of one codex. That is, we know that the manuscript of *al-Abnīya 'an Ḥaqā'iq al-Adwīya* was copied by the poet, Asadī of Tūs. Asadī had immigrated from his native Khurāsān to Azerbaijan. The copyists of our three other old codices remain unknown. We know neither where they were born nor where they lived. Unfortunately we know nothing of the copyists who lived in the 3rd or 4th centuries A.H. (9th or 10th centuries A.D.). But we may conjecture that they probably lived in Khurāsān or Transoxiana, which were important centers of Persian language and literature. Another related and interesting question is the extent to which classical scribes used a unified or standard system of transcription. Given the poor communication opportunities of that era, how could they standardize a specific transcription system?

باشد ایشان را که اندر طاعن خطای بیفند اران افند و اندر علم که است
 ایشان اندر اسبابی چیزی مغلوب باشد بر نازان و فعل جز جلاک از
 عزوجل یا قرب و یا هبیت و یا استو و یا مغلوب گردند اندر ان مقام
 اندر ان فعل سهواً مند فاما مقصد خلاف نکند حد او را بر عزوجل و ستر
 خویش بقصان باز بنارند و اولی در سر آرد البت و اندر علم که انبیا در ظرف
 اند باطن و ظاهر باطن ایشان همراهِ حق نکران است و ظاهر ایشان از خلق
 است اندر روی ظاهر کنند و در روی ادب گیرند اصغر ظاهر ایشان با خلق
 خلق که رفتن سزجت فرمودند و اصغر باطن ایشان با حق نیاستد محو کرد
 و نبوت را نه ستایند و در کفر از صومالت ستر ایشان مستوی است
 بر حق را هر سپاسی زیادتی اندر ستر ایشان بدید هر اید خوف بر حور
 و جابر را و محبت بر محبت و شوق بر شوق زیادت همی صبر در و ظاهر
 ایشان تبع پیوسته بحدان که اندر ستر معانی همی زیادت کرد در ظاهر
 اثبات آن بدید همی آید و هر چند بر ظاهر اثر همی بدید خلق که در ادب همی
 گیرند خلق ظاهر ایشان نکران و ظاهر پیوسته ایشان ستر نکران و سر
 ایشان خلق نکران بر لحن همی کرد و ظاهر از ستر همی کرد و علوان
 ظاهر همی صبرند اصغر چنان باشد که ستر ایشان از حق غافل کرد
 ظاهر ایشان ستر کرد و حق ظاهر ایشان کنز صدد سرب و بر آن کرد
 حلوا که کنند و ان حطای بر ظاهر باشد و هر کس از
 اعتقاد کرد

احوال نبی
 عظیم السلام



ت ۱: صفحه ای از نسخه شرح تعرف (ص ۶۸)، مورخ ۲۴ شوال ۴۷۲ (کراچی: موزه ملی پاکستان، ش. N. M. 1959. 207).
 در این صفحه حرف و نیز دیده می شود: سطر دوم از آخر (کژ، دوبار)



ت ۲: صفحه‌ای از مجلد هشتم معانی کتاب الله و تفسیر المنیر (ص ۴۳۱ چاپی) تصنیف ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد حدادی، کتابت و تذهیب عثمان بن حسین وراق غزنوی، مورخ ۴۸۴ ق (استانبول: کتابخانه کاخ موزه توبقایی، بخش خزینه امانت، ش ۲۰۹).
در این صفحه حرف ژ نیز دیده می‌شود: سطر دوم (نژند) و سطر پنجم (مژدگان)

او یکی یهودان نام بود غم ز کرد و خیر بجهود از اندر دانا او را بگفتند
 و هفتمه شب او را عذاب کردند و بسخن ایشان بیست و نه روز از آذینیه
 بردار کردند و این آدینه را جمعة الصلوات خوانند آنکه بگور
 کردند و همانند و شبیه و او را مزده مردگان بمسیح خوانند
 و زکوری سبیده دم یک شبیه بیروز آمد و اندک گویند و این شبیه
 فطر تر سبایان است و حکما از او سخن او خصموند اندک فرق شریعت ما
 افتد آکنند حی اندرین حکمت خلاف است میان آنها که **یک شبیه**
نوگذاشت این نخستین یک شبیه است از بیست و نه روز کشتادن
 زیرا که پیش از نوین یک شبیهها با بروزه مشغول باشند و اندرین
 یک شبیه آنها و آفرارها و جامها نو کنند و خجکها و اعمالها
 از وی بشنند **سلاقا چیست** این روز پنج شبیه است چهل
 و یکم از فطر و یک روز علیسی از میان آنها کرد سوی آسمان برآمد
 و وعده شان کرد که فرقی بفرستند و این نام روح است **بیطیقت**
چلیست روز یک شبیه است بچاهم روز از فطر و این نام روز
 و زبچاه مشتوق است و اندر روح القدس فرو آمد بر شاگردان

ت ۳: صفحه ای از نسخه التجهیم لاول صناعة التجهیم، (گ ۱۲۹ پ)، کتابت محمد بن جورابی، مورخ پنجشنبه ۶ صفر ۵۲۸ (تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۱۳۲).
 در این صفحه حرف ث نیز دیده می شود: سطر ۴ (مزده)